

درآمدی بر ادبیات‌شناسی

راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی

محمود فتوحی رودم‌عجنی



شرایشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درآمدی بر ادبیات‌شناسی

راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی

محمود فتوحی رود معجنی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

درآمدی بر ادبیات‌شناسی

راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی

مؤلف: محمود فتوحی رود معجنی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: فتوحی، محمود، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر ادبیات‌شناسی: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی / محمود فتوحی رود معجنی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.

شابک: 978-964-426-957-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۳] - ۱۹۶.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی.

موضوع: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian Literature -- History and criticism

موضوع: ادبیات فارسی -- تحقیق

موضوع: Persian literature -- Research

موضوع: ادبیات فارسی -- تحقیق -- روش‌شناسی

موضوع: Persian literature -- Research -- Methodology

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۲۴/۳۳۷ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۴۹۲۷۵

فهرست

.....	سپاس‌گزاری	۵
.....	سخن پژوهشگاه	۷
.....	پیش‌گفتار	۱۹
.....	۱. صد سال ادبیات‌شناسی در ایران	۲۵
.....	۱-۱. پنج مرحله در تاریخ رشته زبان و ادبیات فارسی	۲۶
.....	۱-۱-۱. تأسیس نهاد ملی ادبیات (۱۳۰۷-۱۳۳۲)	۲۷
.....	۱-۱-۲. گسترش نظام ادبی دانشگاهی (۱۳۳۲-۱۳۵۷)	۲۸
.....	۱-۱-۳. چرخش انقلابی نهاد ادبی (۱۳۵۷-۱۳۷۰)	۳۰
.....	۱-۱-۴. تکررگرایی با نظریه ادبی (۱۳۷۰-۱۳۹۰)	۳۳
.....	۱-۱-۵. چالش با کارآمدی (از اواخر دهه ۸۰)	۳۶
.....	۱-۲. محققان زبان و ادبیات فارسی	۳۸
.....	۱-۲-۱. پیشگامان مطالعات زبان و ادبیات	۳۸
.....	۱-۲-۲. استادان رشته ادبیات فارسی	۳۹
.....	۱-۲-۳. ادبیات‌شناسان دیگر رشته‌ها	۴۰
.....	۱-۳. مبانی فکری ادبیات‌شناسی فارسی	۴۳
.....	۱-۳-۱. رویکرد ملی‌گرا	۴۳
.....	۱-۳-۲. رویکرد چپ‌گرا	۴۵
.....	۱-۳-۳. رویکرد اسلامی	۴۷
.....	۱-۳-۴. رویکرد نظریه‌گرا	۴۸
.....	۱-۴. ارزش متن ادبی در چهار نظرگاه	۵۰
.....	۲. رشته ادبیات فارسی در ترازوی نقد	۵۵
.....	۲-۱. گستردگی موضوع	۵۵
.....	۲-۲. اکفا به حفظ و انتقال دانش	۵۷
.....	۲-۳. اصالت گذشته و تاریخ	۵۹

- ۶۲..... ۲-۴. صدرنشانی ادبیات تعلیمی و عرفانی
- ۶۳..... ۲-۵. ایدئولوژی‌سازی ادبیات فارسی
- ۶۵..... ۲-۶. تأکید بر معنای قطعی: انکار متن باز
- ۶۶..... ۲-۷. بحران روش و نظام‌مندی
- ۶۷..... ۲-۸. ادبیات، بیرون از چالش‌های علوم انسانی
- ۷۱..... ۳. از علم‌الادب به سوی ادبیات‌شناسی
- ۷۲..... ۳-۱. ادب چیست؟
- ۷۲..... ۳-۲. ادیب و ادبیات‌شناس
- ۷۶..... ۳-۳. چستی ادبیات
- ۸۱..... ۳-۴. ادبیات و ارزش‌هایش
- ۸۲..... ۳-۴-۱. ادبیات سازنده ارزش
- ۸۵..... ۳-۴-۲. ارزش خود ادبیات
- ۸۸..... ۳-۵. چهار کنش اصلی در ادبیات
- ۸۸..... ۳-۵-۱. آفرینش ادبیات
- ۸۹..... ۳-۵-۲. خوانش ادبیات
- ۹۰..... ۳-۵-۳. آموزش ادبیات
- ۹۰..... ۳-۵-۴. پژوهش ادبیات
- ۹۵..... ۳-۶. ادبیات‌شناسی، یک رشته دانشگاهی
- ۹۹..... ۳-۷. آموزش علمی ادبیات
- ۱۰۰..... ۳-۷-۱. آموزش نگارش خلاق
- ۱۰۴..... ۳-۷-۲. آموزش ادبیات و بازار کار
- ۱۱۱..... ۴. پژوهش در ادبیات
- ۱۱۲..... ۴-۱. گستره پژوهش در ادبیات
- ۱۱۳..... ۴-۲. پژوهش ادبی چیست؟

۱۱۳	۴-۲-۱. سه اصل نظام‌بخش در پژوهش ادبی
۱۱۷	۴-۲-۲. کتون شناخت در ادبیات‌شناسی
۱۲۰	۴-۲-۳. شاخه‌های پژوهش و کتون‌های شناخت
۱۲۶	۳-۴. نقش ذوق ادبی در پژوهش
۱۳۷	۵. فرایندهای حرفه‌ای در پژوهش ادبی
۱۳۹	۵-۱. متن پژوهی
۱۴۷	۵-۲. زبان پژوهی ادبی
۱۴۹	۵-۳. شکل پژوهی
۱۵۲	۵-۴. متن گردانی پژوهی
۱۵۴	۵-۵. معنی پژوهی
۱۵۸	۵-۶. همسانی پژوهی
۱۶۱	۵-۷. پژوهش انتقادی متن
۱۶۴	۵-۷-۱. نقد ادبی متن
۱۶۶	۵-۷-۲. نقد فرهنگی متن
۱۶۹	۵-۸. تطور پژوهی
۱۷۲	۵-۹. نظریه پژوهی
۱۷۴	۵-۱۰. همپوشانی فرایندها
۱۷۷	۶. کاربران دستاورد پژوهش‌های ادبی
۱۷۹	۶-۱. پژوهش ادبی در خدمت ادبیات‌شناسی
۱۸۱	۶-۲. پژوهش ادبی در خدمت دیگر دانش‌ها
۱۸۴	۶-۲-۱. ادبیات و جامعه‌شناسی
۱۸۵	۶-۲-۲. ادبیات و روان‌کاوی
۱۸۶	۶-۲-۳. ادبیات و زبان‌شناسی
۱۸۷	۶-۲-۴. ادبیات و تاریخ پژوهی

- ۳-۶. سهم ادبیات در همکاری میان‌رشته‌ای ۱۸۸
- ۴-۶. پژوهش ادبی در خدمت جامعه ۱۹۰
- ۱-۴-۶. مأموریت اجتماعی ادبیات‌شناسی ۱۹۰
- ۲-۴-۶. کارکرد اجتماعی نقد ادبی ۱۹۴
- انجام سخن ۱۹۷
- چند پیشنهاد برای پویایی رشته ادبیات فارسی ۱۹۹
- مرام‌نامه ادبیات‌شناسان ۲۰۰
- پیوست ۲۰۷
- گرایش‌های کارشناسی ادبیات انگلیسی ۲۰۷
- نماینه ۲۰۹

سپاس‌گزاری

انگیزهٔ اولیه در نگارش درآمده بر ادبیات‌شناسی، پیشنهادی بود که ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی، آقای دکتر حسینعلی قبادی در همایش «آسیب‌شناسی متون درسی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی» (دانشگاه نیشابور، آبان ۱۳۹۵ شمسی) طرح افکندند. ایشان به ضرورت تأملات نظری و روش‌های مسأله‌سازی برای ارتقای کیفی مطالعات ادبی تأکید ورزیدند و پیشنهاد برگزاری نشست‌هایی در پژوهشگاه علوم انسانی را دادند. چند ماه بعد با حمایت ایشان و به همت مدیر بخش ادبیات آن مؤسسه، دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی آن جلسات برگزار شد و فرصتی دست داد تا شاکلهٔ اصلی موضوع را با استادان و پژوهشگران ارجمند ادبیات در پژوهشگاه به بحث گذارم و از رهنمودها و نظرات آن عزیزان به‌ویژه استاد فرزانه دکتر تقی پورنامداریان بهره‌مند شوم. پس از آن در نشست‌های هفتگی با دوستان و دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، بحث در این موضوع ادامه یافت تا به شکل حاضر درآمد.

از دکتر علیرضا نیکویی، دانشیار دانشگاه گیلان سپاس ویژه دارم که در مبانی نظری این نوشته به تأمل نگرست و نکته‌ها در کار کرد. استادان ارجمند دکتر مهدی نوریان و دکتر سید محمد ترابی در بخش استادان ادبیات فارسی رهنمودهای دقیق فرمودند. دیگر همکاران گرامی ام دکتر کاوس حسینی از دانشگاه شیراز، دکتر داوود عمارتی مقدم از دانشگاه نیشابور، دکتر داوود پورمظفری از دانشگاه اهواز، دکتر مریم صالحی‌نیا از دانشگاه مشهد، نیز هر یک رهنمودهای ارزنده‌ای را هدیهٔ این جستار فرمودند و هر کدام را بر بخشی از این نوشتار - که منشورِ حرفهٔ ماست - حقی است و سپاس‌گزاری از ایشان بر این قلم واجب.

محمود فتوحی رودمعجنی

دانشگاه فردوسی مشهد

۲ شهریور ۱۳۹۶

وظایف دانشکده ادبیات تبریز

«در همین حین که دانشکده ادبیات تبریز، آثار قدیم را حفظ می‌کند باید پیشرفت هم بکند و ادبیات فارسی را جان نو بدهد و آن، به وسیله ارتباط با ادبیات اروپایی ممکن و میسر است... اگر بخواهیم ادبیات وطن ما ترقی کند باید اصولی را که در ادبیات جهان هست در آن به کار ببریم. وقتی که این اصول را به دانشجویان آموختیم آن‌ها باید با چشمی گذشته را بینند و با چشمی آینده را بنگرند و ادبیات فارسی فقط با این شرط قابل بقاست. ای بسا رشته‌های علم که در دنیا وجود داشته ولی چون با معرفت جدید پیوند حاصل نکرده و تحول نیافته به ناچار از بین رفته است. این که امروز می‌بینید حکمت و فلسفه و فقه خریدار ندارد و بیم آن است که این رشته‌ها وقتی تنها برای طبقه عوام و بی‌سواد باشد از این جهت است که متصدیان این علوم نخواسته‌اند یا نتوانسته‌اند که آن‌ها را با رشته فرهنگی و علمی جدید مرتبط کنند به این نکته هم باید توجه داشت که به قهقرا رفتن ننگ است و قرار جستن در علم، موت است»

(بدیع الزمان فروزانفر، تبریز، خرداد ۱۳۳۷ شمسی).

سخن پژوهشگاه

هم سؤال از علم خیزد هم جواب

هم چنانک خار و گل از خاک و آب

(مثنوی معنوی، دفتر چهارم)

کتاب حاضر، برای پاسخ به یکی از نیازهای جدی در باب مطالعات و پژوهش‌های ادبی در ایران تألیف شده است. بنای این اثر به درخواست گروه ادبیات شورای متون پژوهشگاه علوم انسانی پی ریخته شده و طی فرایندی دانشورانه و گفت‌وگومندانه با اعضای محترم هیأت علمی پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه به وسیله استاد فاضل، جناب آقای دکتر محمود فتوحی به پیش رفته است. اکنون که بحمدالله به زینت طبع آراسته می‌شود، به دلیل سرشاری آن از مسأله‌کاوی و پشت سر نهادن گذرگاه‌های ویژه پژوهش مدارانه، جای آن دارد، از زوایای گوناگون معرفی گردد. این دیباچه به عناصری همچون ماهیت، مسأله‌ها، روش، نوآوری‌های این کتاب می‌پردازد و به چرایی و چگونگی شکل‌گیری اثر و فرایند تألیف آن اشارت دارد و می‌کوشد به تجربه زیسته پژوهشی مؤلف که پشتوانه نگارش کتاب است، نیز نظری بیفکند.

۱- چستی و چگونگی این اثر

۱-۱- نقاط قوت این کتاب:

۱-۱-۱- مسئله‌مندی

این اثر از آغاز تا پایان مانند تشنه‌ای صاحب دغدغه و جست‌وجو گر که به دنبال آب حیات بخش به راه افتاده باشد، به دنبال حل مسائل علمی و راهگشایی در مسیر حقایق و واقعیت‌های پژوهشی است و مسئله‌مندی در آن موج می‌زند. در حقیقت محتوا و موضوع کتاب به عنوان آن وفادار مانده است.

۲-۱-۱- جنبه‌های دانشی اثر

جلوه چشمگیر نشانه‌های نظام علمی در این کتاب از آن جهت اهمیتی افزون‌تر دارد که در نظر داشته باشیم عرصه تحقیقات ادبی ما از خلأ آنها رنج می‌برد. این عرصه از یک سو به عادت کهن کلیشه‌ای و تعارفات خو کرده و از سوی دیگر، در میان نسل جدیدتر، به اصطلاح زدگی در انبوه مفاهیم غربی به صورتی هضم‌ناشده آمیخته شده است. اما در این اثر با حزم و پختگی و به کارگیری هنر جمع میان سنت و تجدد و کتابی کارآمد روبرویم؛ اثری که می‌تواند شیوه‌نامه و راهنمای فهم متون ادبی به شمار آید. عناوینی چون متن‌پژوهی، زبان‌پژوهی ادبی، شکل‌پژوهی، متن‌گردانی پژوهی، معنی‌پژوهی، همسانی‌پژوهی، پژوهش انتقادی متن، تطورپژوهی، نظریه‌پژوهی، ادبیات و جامعه‌شناسی، ادبیات و روان‌کاوی، ادبیات و زبان‌شناسی، ادبیات و تاریخ‌پژوهی مؤید این ادعا است.

۳-۱-۱- نوآوری‌های کتاب

این اثر کوشیده است لایه‌های پنهانی حوزه پژوهش‌های ادبی ایران را فراچنگ آورد؛ لایه‌ها و سطوحی که تا کنون یا مغفول مانده یا مباحثی متصل به مرز دانش ادبی جهان است و بعضاً هنوز در ایران چندان رواج نیافته است. پرداختن به مسائلی همچون مأموریت اجتماعی ادبیات‌شناسی و کارکرد اجتماعی نقد ادبی و پاسخ‌گویی به این پرسش که جایگاه و کاربرد رشته زبان و ادبیات فارسی در جهان امروز چیست؟، نمونه‌ای از این نوآوری‌ها و کاویدن زوایای پنهان پهنه تحقیقات ادبی در حوزه زبان فارسی است.

۴-۱-۱- حضور مفهوم‌های نوین و خلق اصطلاحات

خوانندگان این اثر، با وفور اصطلاحات متناسب، دقیق و به‌جا به کاربرده شده مواجه می‌شوند که بسیاری از آنها نوآورانه هستند و جای آنها در عرصه تحقیقات ادبی خالی به نظر می‌رسد. این امر یقیناً موجب غنی‌سازی حوزه پژوهش‌های مربوط به ادبیات فارسی خواهد شد. ازجمله این

اصطلاحات، نمونه‌های ذیل را می‌توان برشمرد: شکل پژوهی، متن گردانی پژوهی،

همسانی پژوهی و تطویر پژوهی

۱-۱-۵- ثمره تبع کافی و استقصای دقیق در اثر

در خلال مباحث کتاب آشکار می‌شود که نویسنده محترم ضمن بهره‌گیری از اطلاعات علمی گسترده، برای تأیید ادعای خود به استقصایی گسترده و دامنه‌دار در آثار گوناگون پرداخته‌اند تا برای بیان مطالب خویش شواهد و پشتوانه‌ای در تراز کفایت فراهم کنند. از جمله برای تبیین تاریخچه دقیق رشته زبان و ادبیات فارسی اسناد و مدارکی دور از دسترس را بررسی کرده‌اند و از منابع و مراجع متعددی بهره برده‌اند و اطلاعات مفیدی از وضعیت رشته ادبیات و ارتباط آن با بازار کار، در کشورهایی چون بریتانیا جمع‌آوری و ارائه کرده‌اند.

۱-۱-۶- سهل‌ممتنع بودن

خوانندگان فرهیخته این اثر در خواهند یافت که مباحث فنی و کاملاً تخصصی در نوشتار حاضر بسیار آسان و ساده بیان شده است. به نظر می‌رسد همین ویژگی از بارزترین قوت‌های این کتاب است و از سنجیدگی، پختگی و توان علمی مؤلف حکایت می‌کند. عموماً آثار بسیار موفق و پراوازه نویسندگان کامیاب واجد این ویژگی بوده است.

۱-۲-۱- طبقه‌بندی دانشی

طبقه‌بندی دقیق و عالمانه مفاهیم یا رخداد‌های علمی، نشانه دستاوردهای مهم دانشی است. این مسئله به حدی اهمیت دارد که شاید بتوان گفت پیشرفت علم در گرو توانمندی برای طبقه‌بندی مسائل و مفاهیم علمی است. زیرا از قدرت تجزیه و تحلیل و اشراف بر حوزه علم حکایت می‌کند. این کتاب، از جهت دلبستگی به حقیقت علم و حرکت به سوی آفرینش ظرفیت علمی افزون‌تر، برای پژوهش‌های ادبی فارسی، طبقه‌بندی‌هایی را به ارمغان آورده است که در تحلیل تاریخ‌شناختی پژوهش‌های ادبی ایران کم‌سابقه یا بی‌سابقه بوده است و از نیازهای جدی آن به شمار می‌آید. (ر.ک. مبحث رویکردها و نهاد صدساله ادبیات).

۱-۲-۲- وارد شدن به حوزه‌های کارکردی ادبیات

این مقوله نیز از جهت کارآیی و کارآمدی حرفه‌ای و توجه به ظرفیت‌های عملی ادبیات اهمیت فراوان دارد. نویسنده موفق شده است با استقصای روشمند و تجمع و تحلیل اطلاعات به این مهم پردازد و کل مبحث ششم را به آن اختصاص دهد. این نوع نگاه، خدمتی ارزشمند به ادبیات فارسی به شمار می‌رود.

۳-۲-۱- شفافیت و آینه‌وارگی

توانایی تبیین و عرضه مطالب به صورتی عمیقاً رسا و روان عیناً همان سهل‌ممتنع بودن نیست و با آن تمایزهایی دارد، شفافیت، فقط ساده بیان کردن نیست، بلکه توان القا، روشنی بیان، رویکرد مخاطب‌گرایانه و رسایی و گویایی از آن اراده می‌شود و منظور آینه‌واری برای بازتاب علم و حقایق علمی است. آثاری می‌توانند دارای این خصلت باشند که نویسندگان‌شان دانش و اطلاع وافر، نگاه ژرف، ممارستی فراوان و آثار روشمند متعدد و تجربه هم‌زمان آموزش و پژوهش متداوم و موفق داشته باشند و دقیقاً همه این ویژگی‌ها در کتاب حاضر به روشنی یافت‌شدنی است و جان کلام آنکه توانایی تبیین و عرضه مطالب و حقایق علمی با وضوح کامل از ویژگی‌های بارز این اثر است.

۴-۲-۱- در بر داشتن ایجاز عالمانه و پرهیز از حشو و زوائد

دغدغه علمی و وفاداری به شیوه‌های تحقیقی درست از آغازین تألیفات استاد فتوحی نیز آشکار بوده است و خوشوقته تجربه سال‌ها تدوین و تصنیف آثار علمی، این کتاب ایشان را از هر جهت به اجمال و ایجاز آراسته است.

۵-۲-۱- اشمال بر منابع اصیل و معتبر فارسی، عربی و انگلیسی

نه تنها ارجاعات به منابع اصیل و مستندات پراعتبار، اتقان اثر را تأیید می‌کند، بلکه نحوه وارد ساختن اطلاعات منابع و شیوه بهره‌گیری از آنها نیز از اشراف و تسلط نویسنده حکایت می‌کند.

۶-۲-۱- عینی بودن مباحث

در کنار دیگر مزایا، ملموس بودن مطالب، عینیت‌بخشی به آنها و روشن بودن دلالت‌ها از مزیت‌های دیگر این کتاب است، به‌ویژه اینکه ترسیم نقشه‌ها و نمودارها به واقع‌نمایی و

مخاطب گرایی اثر افزوده است. از آن جمله می توان به نقشه مربوط به فرایندهای «شرح و تأویل و تفسیر» و نمودار «مطالعات ادبی» و نمودار «نسبت مفاهیم ادبی با کانون شناخت» اشاره کرد.

۷-۲-۱- طی شدن راهی نکویده و ناهموار

با اینکه جای خالی چنین اثری در مجموعه عظیم ادب فارسی و جهان میراث زیبایی شناسی ایران خالی بود، معمولاً کمتر کسی حس و حال یا یارای ورود به چنین ماجرای دردسرسازی را داشت و عشقی سترگ، اراده‌ای بزرگ و دانشی ذوابعاد را می‌طلبد تا استاد فتوحی از سر جوانمردی به چنین راه صعب و نکویده‌ای پا نهادند.

۲- چرایی نوشتن این جستار

حقیقت آن است که رشته زبان و ادبیات فارسی و پژوهش‌های ادبی در کشور ما با مسائل و چالش‌های فراوانی دست به گریبان است و بعضاً این مسائل تا مرز تبدیل شدن به بحران پیش رفته‌اند. برخی از این مشکلات نه به کم‌فضلی استادان یا پژوهشگران ما مربوط می‌شوند، نه معلول کمبود منابع‌اند. اینها معلول کم‌تعدادی محققان و مراکز علمی ما یا نبود سنت و پیشینه کافی در این سرزمین نیز نیستند. همچنین به نظر نمی‌آید نتیجه کم‌اقبالی استعدادهای درخشان به این رشته باشد. علت این مشکلات ضعف جاذبه جهانی میراث‌های ادبی ایران یا نداشتن آثار سرآمد و شاهکارهای سرمشق‌شدنی و چنین مسائلی هم نیست.

آنچه از نظر نگارنده موجب خلأها و چالش‌های فراروی زبان و ادبیات و تحقیقات ادبی و نظام آموزش دانشگاهی کشور شده است، فقدان مسئله‌مندی پژوهش‌ها و کم‌اندیشی در قلمرو مسئله‌مداری تحقیقات ادبی می‌باشد و جان کلام آنکه پی‌آمد غفلت ما در حوزه روش‌شناسی است.

باور نداشتن به روش، به مثابه گفتمان و اندیشه‌ورزی راهگشا برای بازفهمی گنجینه‌های زیبایی‌شناختی مان و انعکاس فهم همدلانه با آفرینشگران متن‌های گران‌سنگ ادب فارسی موجب شد سنت نقد ادبی و بازآفرینی مداوم میراث‌های هنری در ایران گسسته شود و به دنبال آن ظرفیت‌های سترگ و رازهای زیبایی‌شناختی بسیاری از متون در خفا و انزوای بماند.

معضلاتی از این دست، بخشی عظیم از توان گسترده تحقیقاتی شماری از استادان، پژوهشگران و دانشجویان را تلف می‌کند و آنان را در برابر گردایی عمیق از تکرار، تداخل، سطحی‌نگری، ندانم کاری و بعضاً نظریه‌زدگی و گاه احساس استغنی کاذب و کلی‌گویی درباره میراث‌های خودی، متحیر و سرگردان می‌سازد.

رنج آگاهی از این مشکلات و درک موانع توسعه دانش ادبی در ایران، نگارنده را واداشت تا در جریان برگزاری یکی از نشست‌های تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها در دانشگاه نیشابور (آبان ۱۳۹۵) به استحضار استاد فاضل و دوست فرهیخته، جناب آقای دکتر فتوحی، برساند که شورای بررسی متون قریب به ۲۱ سال مشغول کندوکاو «مسائل» و چالش‌های فراوری رشته زبان و ادبیات فارسی است و در طول بیش از دو دهه بحمدالله موفق شده است شبکه‌ای نخبگانی را از استادان و محققان این رشته با هم متصل و متشکل بسازد و به فراخور امکانات خویش نیز آثاری مطلوب و متناسب عرضه کرده است. اما ضرورت دارد اختصاصاً درباره «مسئله کاوی» در حیطه این دانش و شناخت ابعاد و زوایای دانشی این رشته، اثری خلاقانه، فاخر، مستوفی، سرآمد و راهگشا تصنیف شود تا همه اصحاب فکر، اندیشه و محققان ادبیات را سودمند افتد.

لطف شیرین این دوست عزیز را از سال حدود ۱۳۶۶ چشیده بودم. از آن زمان که ایشان دانشجوی تازه‌وارد اما وقاد رشته ما در دانشگاه تربیت معلّم بودند و بنده در موقعیت مثلاً دانش‌آموختگی از آن دانشگاه بودم و لطفی فطرت‌بنیاد و روستایی بین ما رویش کرده بود، دریافتم که وی روزی آتش به بوت‌های جهل خواهد زد و از پل دانایی عبور خواهد کرد. این بار نیز در آبان‌ماه ۱۳۹۵، وی مثل همیشه دعوت‌م را پذیرا شد و آنچنان که خود در پیشگفتار کتاب آورده است، فرایند تصنیف این اثر آغاز گردید و اکنون به لطف الهی به انجام رسیده است.

۳- اشاره‌ای نهادگرایانه به چالش‌های فراوری رشته زبان و ادبیات فارسی

سال‌هاست که در گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی و نقد متون دانشگاهی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خود را در برابر این پرسش‌ها مسئول می‌بینم و از هر دانشمند و

استاد فاضل و محقق توانا کمک می‌خواستیم تا با خرمن دانش خود به رفع بخشی از این خلأها پردازد و مرهمی بر این زخم‌ها نهد.

به عنوان نمونه، سال‌ها پیش از دوست فاضل دکتر علیرضا نیکویی تقاضا شد تا با کمک برخی دیگر از همکاران سراسر کشور در حوزه یکی از چالش‌ها و کاستی‌های پژوهش‌های ادبی اهتمام داشته باشند. اولویت پرداختن به این چالش‌ها در سال‌های یادشده فاصله تحقیقات ادبی ما و به‌ویژه نقد ادبی ایران با فلسفه تشخیص داده شد. همچنین از دوستان و گروهی دیگر برای کاهش فاصله میان ما و مرزهای دانش جهانی در حوزه نظریه و نقد یاری طلبیده شد. از برخی دیگر از محققان درخواست شد جنبه‌های بین‌رشته‌ای تحقیقات ادبی‌مان را پی بگیرند و از دسته دیگر اخیراً استدعا شد به صورت یکپارچه به آسیب‌شناسی اساسی برنامه‌ریزی درسی در این رشته همت گمارند.

با این حال، از نظر این گروه، به عنوان نهادی که غنی‌سازی منابع دانشگاهی، محور اصلی فعالیت آن را تشکیل می‌دهد، دیگر وقت آن است که اثری شامل و کارساز که معطوف به مجموعه‌ای از این دست خلأها باشد، تدوین و تصنیف گردد تا بتواند پاسخگوی نیازهای روش‌شناختی بنیادین در حوزه زبان و ادبیات فارسی واقع شود. این بود که از دوست فاضل و محقق متضلع، جناب آقای دکتر فتوحی درخواست شد آستین همت را برای تحقق چنین امر سترگی بالا بزنند. این یار قدیمی با روحیه صمیمی و پراز شور و شعف با گشاده‌رویی همیشگی بدان همت گماردند و چنان‌که به شرح آورده‌اند، این اثر نیکو را به لطف الهی رقم زدند.

۴- کتاب حاضر و نیازها و پرسش‌های فراروی رشته زبان و ادبیات فارسی

برخی از پرسش‌های بنیادینی که گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی و نقد متون دانشگاهی، به عنوان حلقه‌ای انتقادی از مجموعه شبکه نخبگانی علوم انسانی پژوهشگاه، آنها را گریبانگیر این رشته و دغدغه ذهنی همه پژوهشگران دردمند و راه‌آشنای این حوزه می‌داند عبارت‌اند از:

۱-۴- کجا ایستاده‌ایم؟ موقعیت و ظرفیت نقد و نظریه دانش ادبی کشور ما چه مؤلفه‌هایی دارد؟

ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای ما کدام‌اند؟

۲-۴- ادبیات، در کنار لایه آفرینشگری خود، به‌عنوان یک حوزه دانشی، شامل چه مقولات اساسی است؟ به‌دیگر سخن، مسائل و مباحث این شاخه علمی در عرصه ادبیات فارسی کدام‌اند و قلمرو موضوعات آن کجاست؟

۳-۴- ادبیات فارسی با حوزه جهان‌شناسی، معرفت‌شناسی، شناخت‌شناسی و به‌ویژه با حوزه فلسفه چه تعامل و گفت‌وگو و پیوندهایی دارد؟ ظرفیت گفت‌وگوها و تعاملات بین‌فرهنگی ادبیات فارسی کدام‌اند؟

۴-۴- نظریه‌پردازی بر متن مقدم است یا بالعکس؟ آیا حکم آن در دوران اوکبه و کلاسیک با دوران جدید که نظریه‌ها در حکم یک گفتمان پرانباشت و در دل منطق علمی ظهور می‌کنند، یگانه است؟

۵-۴- اصولاً منطق بنیادین نقد ادبی در جهان معاصر با جهان کهن چه تفاوت‌هایی دارد؟

۶-۴- موانع عمده اعتلای نقد ادبی در کشور ما کدام‌اند؟

۷-۴- رابطه ما با سنت‌های بوطیقای و سرمایه‌های بلاغی میراثی چگونه می‌تواند در مواجهه و گفت‌وگوی ما با نظریه‌های ادبی تلفیق شوند؟

۸-۴- ظرفیت‌های نظریه‌پردازانه یا اصول و راهبردهای زیبایی‌شناختی شاهکارهای ادبی ما را چگونه می‌توان شناسایی، دسته‌بندی، تبیین و معرفی کرد؟

۹-۴- چگونه و با چه اصول روش‌شناختی هم در مرزهای دانش ادبی جهانی حرکت کنیم و هم نظریه‌زده و سطحی‌نگر نباشیم؟

۱۰-۴- برای بهره‌گیری از دستاوردهای نظریه‌پردازی جهانی در حوزه نقد ادبی، چگونه میان بهره‌گیری روشی (مثلاً تحلیل رویکرد فرمالیستی و ساختارگرایانه و نقد کهن‌الگوی) با تلقی غیر روشی (آنها را جهان‌بینی و مکب انگاشتن، مثل خلط میان فرمالیسم و پاراناسیسم) و به‌دور از روشمندی (مسلط نبودن بر مبانی و تطورات جریان‌های نظری و انتقادی در حوزه نقد ادبی غربی) خلط نکنیم؟

۱۱-۴- یاکوبسن گفت: «برای هر اثر جهانی من می‌توانم اصول و افق سبک‌شناسی طراحی کنم. اما شاهنامه و آثار نظامی، مولوی و سعدی و حافظ خود معیار سبک هستند.» (ر.ک. قبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۰۴). باور ما درباره این اعتراف سترگ نظریه‌پرداز بزرگی همچون یاکوبسن تا کجاست؟ چگونه می‌توانیم عظمت زیبایی‌های شاهکارهای ادب فارسی را تبیین و معرفی کنیم؟ تا کون چه پژوهش روشمندی در این باره انجام داده‌ایم؟ و راه‌هایی که برای کشف حقیقت این سخن وی اندیشیده‌ایم کدام است؟

۱۲-۴- سهم مباحث میان‌رشته‌ای در غنی‌سازی رشته زبان و ادبیات فارسی چیست؟ و چگونه می‌توان به این بخش از مطالعات ادبی نگرست؟

۱۳-۴- چگونه می‌توان مجموعه‌مباحثی آموزشی برای استادان و محققان حوزه ادبیات فارسی طراحی کرد که هم تسلط آنان بر ادب و میراث کلاسیک افزوده شود و این امر به ارتقا و عمق یافتن تعلقات فرهنگی آنها بینجامد و هم آشنایی عمیق‌تری با تطورات نظریه‌ها و نقد ادبی جدید پیدا کنند؟

۱۴-۴- انصافاً چرا قاطبه بزرگان ما میان نسخه‌شناسی، مأخذشناسی و گاه کتاب‌شناسی با روش‌شناسی و متدولوژی چندان تمایزی قائل نیستند - چنان که عموم آثار آنان گواه است؟

۱۵-۴- چرا در عموم تدریس‌های ما در نقد ادبی، مرز میان مکتب‌های ادبی، اصول و روش‌شناسی تحلیل متن، روش‌شناسی تفسیر متن، روش‌های توضیح لغت‌های متن، تجزیه و تحلیل مفردات متن از طریق کشف قواعد ساختاری متن، اقسام و شاخه‌های رابطه‌های صورت و معنی در مفردات، در عبارات و در ساختارشناسی و ... روشن نیست؟

۱۶-۴- و چرا کمتر اندیشیده‌ایم که نقد ادبی در کشورمان ساگرچه فاصله و تمایزاتی موجه و طبیعی با نقد ادبی عربی دارد - چرا باید از سنت محوری نقد ادبی جهان عرب هم فاصله داشته باشد و عمدتاً پیرو آن نیز به شمار آید؟

۵- کارآیی کتاب حاضر در گرایش‌ها و مقاطع گوناگون ادبیات فارسی

این کتاب، افزون بر آنکه می‌تواند اصالتاً مأخذی عمومی و راهنمایی‌کننده برای بسیاری از استادان جوان رشته ادبیات فارسی کشور واقع شود؛ در تدریس چندین درس گرایش‌های گوناگون رشته زبان و ادبیات فارسی، مأخذی کمک‌درسی برای تکمیل منابع به شمار می‌آید و کارآیی دارد. حق آن است که بیان شود این اثر نفیس دست کم می‌تواند منبعی کمک‌درسی برای درس‌های زیر به حساب آید:

۱- کلیات ادبی

۲- مرجع‌شناسی و روش تحقیق

۳- نقد ادبی

۴- سمینار

۵- بخش‌هایی از ادبیات معاصر

بدین ترتیب اکنون می‌توان یکی از مصادیق همان هدفی را مشاهده کرد که شورای بررسی و نقد متون برای غنی‌سازی مأخذ و منابع درسی این رشته پی‌جویی می‌کرد. این مهم، از دل یکی از همایش‌های تخصصی این شورا که در بیست و هشتم مهرماه نود و پنج در نیشابور برگزار شده بود، خود را نشان داده است.

۶- نکاتی که مؤلف می‌تواند در چاپ‌های بعدی به آنها پردازد

گمان می‌رود حق دوستی آن باشد که اگر چند نکته‌ای اندک به ذهن برسد که برای کمال بیشتر اثر مدد رساند، در اینجا بیان شود.

۱-۶- ضرورت اشاره به جایگاه ادبیات فارسی در فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی و کارکرد آن

در جهان معاصر؛

۲-۶- تدقیق بیشتر درباره برخی انتساب‌ها و نام‌گذاری‌ها؛

- به عنوان نمونه: مبحث ۱-۳ اولاً اطلاق صفت‌هایی چون ملی‌گرا و چپ‌گرا برای رویکردهای

تحقیقات ادبی چندان منطبق نمی‌نماید. زیرا این گونه نسبت برقرار کردن میان مفاهیم و

اصطلاحات سیاسی با فعالیت تحقیقاتی ادبی اصولاً سازگار نیست؛ ثانیاً هنوز این کنش‌ها به «رویکرد» تبدیل نشده بودند، بلکه در حد «موج» و حداکثر «جریان» علمی - تحقیقاتی بودند؛ ثالثاً کسانی که شخصیت‌های حلقهٔ اسلامی معرفی شده بود، از جمله استاد همایی و دکتر شهیدی، این طبقه‌بندی را نمی‌پذیرفتند؛ به عنوان نمونه، استاد همایی به آثار صرفاً عرفانی و صوفیانه یا نجوم یا تاریخ ادبیات همت می‌گماشت و در سطحی عالی نیز از پس کار برمی‌آمد و نگرش و کنش ایشان به دنبال تعالی ادبیات و میراث‌های تمدنی ایرانی بوده است. همچنین استاد شهیدی آثاری از قبیل شرح مشکلات دیوان انوری و تدریس شاهنامه را برعهده داشته‌اند و از این قبیل مثال‌های نقض برای آن مطلب فراوان است. رابعاً این تقسیم‌بندی‌ها نسبتاً غیرادبی و ایدئولوژیک یا سیاسی و کمی شتابزده است و ممکن است به نوعی تجزیه‌گرایی دربارهٔ میراث‌های عظیم ادبی یینجامد و نسل آینده را از درک لذت این میراث‌ها محروم سازد.

- و نکته مهم دیگر آنکه اگر قرار بود دسته‌بندی‌ها بر مبنای دانش ادبیات باشد، بهتر می‌بود که تحت عناوینی چون میراث گرایان، تجدیدباوران، تحقیقات سفارشی-حکومتی، پژوهش‌های خودجوش و درون‌زاد، جریان‌های برون‌دانشگاهی و تداوم سنت‌های کاوش‌های علمی گذشتگان نامگذاری می‌شدند؛

۳-۶- تبیین مفصل‌تر هدف و ضرورت و کارکرد این اثر؛

۴-۶- تکمیل مآخذ و مراجعه به برخی آثار پژوهشی یا منابع عام در این زمینه. از جمله این مآخذ: مصاحبهٔ مشروح این جانب با دکتر رضایی، استاد شهیدی، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر یاحقی و منتشرشده در *ویژنامهٔ ادبیات فارسی مجله دانشگاه انقلاب* سال ۱۳۷۵؛ گزارش‌های علم‌سنجی مربوط به ادبیات فارسی؛ *نقد ادبی ایران* و ... زیر نظر نگارندهٔ این مقدمه در علم‌سنجی ریاست جمهوری و سمینار بایدها و نبایدهای فراوری رشتهٔ ادبیات فارسی در دانشگاه علامه طباطبائی که کتابی با عنوان *باید و نبایدهای ادبیات فارسی* از آن

منتشر شد؛ سمینار نظام برنامه‌ریزی ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء، مجموعه ۱۵ جلدی نفیس سخنرانی‌های کنگره تحقیقات ایران از سال ۱۳۵۶-۱۳۴۹.

بیش از دو دهه مواجهه شورای بررسی و نقد متون با چالش‌ها و پرسش‌ها و خلأها و نیازهایی بود که برخی از آنها در اینجا ذکر شد و تماماً از سر درد بود.

خود جناب دکتر محمود فتوحی می‌دانند که این دغدغه‌ها همیشه همراه بنده نیز بوده و طی سال‌های حدود ۱۳۶۶ نیز، اینها را پراکنده با ایشان در میان گذاشته‌ام — و در همان سال‌ها نیز این ظرفیت و قابلیت و همدردی و فهم همدلانه در ایشان هویدا بود. اکنون که ایشان این خواهش را اجابت کرده‌اند و با اشتیاق، پاسخ خود را به این دست پرسش‌ها در قالب این کتاب به سر و سامان رسانیده‌اند از ایشان بسیار سپاسگزارم.

در پایان جا دارد از همه کسانی که با شرکت در مباحث به غنای این مبحث افزوده‌اند، به‌ویژه استاد بلندپایه و والامنش، جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان، قدردانی کنم. از همت والای سرکار خانم دکتر سیده مریم عاملی رضایی، رئیس سخت‌کوش و اندیشه‌ورز گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی و نقد متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بابت تقویت همه‌جانبه هسته‌های علمی و انتقادی این گروه در سراسر کشور و جناب آقای دکتر محمدنژاد، رئیس محترم پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه و دیگر اعضای مکرم آن پژوهشکده و زین بابت مشارکت فعال و سازنده در جلسات گفت‌وگوی علمی در فرایند کارگاه‌های مقدماتی این کتاب، بر غنای مباحث و گفت‌وگوها افزوده‌اند نیز سپاسگزارم.

توفیق از خدا و توکل بر اوست

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس شورای بررسی و نقد متون

پیش گفتار

این روزها توجه به دانش کاربردی، تردیدهایی درباره کارآیی دانش‌های تاریخ، ادبیات، فلسفه و مانند آن روی میز برنامه‌ریزان دانشگاهی و مدیران نهادهای آموزش عالی نهاده است. باور رایج آن است که در فرایند تجاری‌سازی علم، این دانش‌ها دستاوردی برای دانشگاه و جامعه به ارمغان نمی‌آورند. در این میان پرسش از نقش اجتماعی و کارآیی دانش ادبیات، جدی‌تر از همیشه بر سر زبان‌هاست. برخی از جامعه‌شناسان علم که به انطباق دانش با واقعیت عینی و اجتماعی می‌نگرند و شناخت را منحصر به تجربه عینی و حسی می‌پندارند چنان می‌انگارند که مطالعات ادبی، کاری است تفتنی و ذوقی که آن را در ترازوی علم و فناوری نوین چندان وزنی نیست. ایشان بخش عمده پژوهش‌های ادبی مانند ویراست متون کهن، شرح و تفسیر، مقایسه و تطبیق متون ادبی و پژوهش در تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه‌نویسی و ... را از جنس خدمات پژوهشی می‌انگارند که شاید به کار پژوهشگران دیگر رشته‌های علوم انسانی بیاید.

دانش‌آموختگان علوم انسانی ایران که عموماً دانش ادبی بسیارشان در سطح دروس عمومی ادبیات در دبیرستان و دانشگاه فرو مانده، بسان عامه مردم، مطالعات ادبی را امری تفتنی و از نوع تذوق با گل و بلبل می‌خوانند و از ادبیات فارسی و رای شعر سه چهار شاعر مشهور چیزی نمی‌شناسند. آنان بر این گمانند که در کلاس‌های رشته ادبیات، برای حظ و لذت هنری، فقط شعر می‌خوانند و بر سر تفضیل بزرگان شعر و ترجیح شعر بزرگان در مناقشه‌اند. متأسفانه این ناشناخت، آفتی است که در ذهن بسیاری از بزرگان علوم انسانی و برنامه‌ریزان فرهنگی و علمی ایران فرونشسته و بر نگره‌های علوم انسانی و برنامه‌ریزی فرهنگی کشور نیز سایه افکنده است.

گاه آن ناشناخت، بر گردن نهاد ادبی دانشگاه و ما متولیان ادبیات فارسی است که در برج عاج شاهکارهای ادبی نشسته و از کاروان علوم انسانی مُعزّل گشته‌ایم و ناخواسته نگاه جامعه و نخبگان علوم انسانی را از ادراک ارزش ادبیات و کارکردهای فکری، اجتماعی و فرهنگی دانش ادبی منصرف ساخته‌ایم. ما ادبیات‌شناسان ایرانی همواره دلخوش به این گمانیم که پایگاه نیرومند و پایدار

شاهکارهای ادبی در فرهنگ عمومی یک پشتوانه ملی، فرهنگی و تاریخی والا برای رشته زبان و ادبیات فارسی بوده و هست و همین پشتوانه بسنده است تا مطالعات ادبی در دانشگاه موجه و ضروری بنماید. اما غافل از این که روز به روز پایگاه‌های مردمی ادبیات فرو می‌ریزد، حتی نخبگان نسل‌های امروزی‌ترین نیز با ادبیات بومی و هنر کلامی فارسی، بیگانه و بیگانه‌تر می‌شوند.

اکنون ذهن‌های پرسشگر با قدرت تمام بر آستانه دپارتمان نود ساله زبان و ادبیات فارسی ایستاده‌اند و هوشمندانه از سرشت معرفتی و نیز نقش اجتماعی این نهاد آموزشی و پژوهشی می‌پرسند که

- آیا رشته ادبیات می‌تواند یک نظام دانش یا گفتمان دانشگاهی به شمار آید؟
- چه مسائلی باید موضوع کار ادبیات‌شناسی باشد؟ چه ملاک‌هایی این مسائل را تعیین می‌کند؟
- مبانی نظری، اصول روش‌شناختی و حدود دانش در این رشته چیست؟
- میزان سنجش‌پذیری دانش حاصل از مطالعات ادبی چقدر است؟
- آیا قواعدی هست که تعیین کند کدام گزاره‌ها در مطالعات ادبی درست یا نادرست است؟
- آیا دستاورد پژوهش‌های ادبیات فارسی می‌تواند به شکل یک «معرفت منسجم» و «دانش هدفمند» در بستر یک نظم معین که مشخصه هر نظام دانش است در آید؟
- اگر ادبیات‌شناسی به مثابه یک نظام دانش وجود دارد، چه وظایفی بر عهده اوست؟ نقش فرهنگی، کارکرد اجتماعی و کارویژه علمی‌اش چیست؟
- چه نسبتی میان رشته ادبیات و دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و ... وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها و مسائلی از این دست برای تحکیم مبانی حرفه ادبیات‌شناسی بسیار حیاتی است. ما دست اندرکاران علوم ادبی باید در این پرسش‌ها تأمل کنیم و موقعیت خود و دانشمان را بر اساس این پرسش‌ها بازسنجیم و حدود و نقش حرفه خویش را تبیین کنیم. این روزها مهم‌ترین ضرورت برای رشته زبان و ادبیات فارسی، بازشناسی این شاخه دانش، چونان نهاد علمی ادبی در دانشگاه‌های ایران و حتی جهان است. اکنون بیش از هر زمانی، ادبیات‌شناسان، ناگزیرند در ساختار دانش خود و در وظایف تخصصی و مأموریت علمی و اجتماعی حرفه خویش بازنگرند و

چارچوب‌های نظری و روش‌شناختی دانش خود را به مثابه یک نظام دانشگاهی تبیین کنند و در کنار دیگر نظام‌های دانشگاهی علوم انسانی، اهداف و مأموریت‌های تخصصی و اجتماعی این دانش را مشخص نمایند.

پیشینه بحث: از سال‌های ۱۳۵۰ دغدغه‌ها درباره آموزش ادبیات فارسی و کارآمدی مطالعات ادبی و واکنش ناخوشایند دانشجویان به زبان و ادبیات فارسی آغاز شد. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در یک سخنرانی (۱۳۵۶) نگرانی خود از انقطاع نسل‌های جوان از فرهنگ و ادبیات را با انتقاد از روش تدریس استادان ادبیات بیان کرد. در سال ۱۳۵۸ نیز جلساتی در دانشگاه تربیت معلم تهران برای بازنگری در روند آموزش ادبیات فارسی برگزار شد که گزارش جزئیات آن در همین کتاب آمده است (۱-۳-۱). از آن پس نیز نظام آموزشی و پژوهشی ادبیات فارسی، فراوان در معرض انتقاد بوده است. اما تنها کتاب در این زمینه با نام *درآمدی بر نگره آموزش ادبیات: جستارهایی در شناخت متن ادبی، ساختار علم ادب و روش‌شناسی* را مهدی مؤذن جامی در سال ۱۳۹۴ شمسی / ۲۰۱۵ میلادی منتشر کرد و ساختار نهاد ادبیات مدرسی - به‌ویژه آموزش ادبیات - را با رویکردی انتقادی، توصیف و تبیین نمود. شالوده دیدگاه آقای جامی بر پایه نگرشی است که در دهه هفتاد در پی آشنایی جامعه علمی ایران با نظریه‌های ادبی جدید پدیدار شد و مسائلی همچون تعریف ادبیات، ماهیت متن ادبی، روش‌شناسی در آموزش و پژوهش ادبیات فارسی را طرح افکند. کتاب حاضر را می‌توان به وجهی در ادامه آن کتاب دانست. با این تفاوت که آن کتاب به آموزش ادبیات بیشتر نظر دارد و این کتاب به پژوهش. دیگر این که در کتاب حاضر رشته ادبیات فارسی به مثابه یک نظام دانشگاهی بررسی شده است. پرسش از سودمندی دانش‌های ادبی، بازار کار دانش‌آموختگان ادبیات و مفاهیم بینارشته‌ای و نسبت مطالعات ادبی با واقعیات اجتماعی در کتاب حاضر با جدیت بیشتری مطرح شده است.

رشته‌های دانشگاهی در طول حیات خود از هر سو آماج حمله و تهدید هستند، گاه از منظر معرفت‌شناسی و گاه از منظر مبانی آکادمیک. ظهور دانش‌های نوین نیز دانش پیشین را از اعتبار

می‌اندازد، مثل دو دانش کامپیوتر و عصب‌شناسی که دانش سستی فلسفه ذهن را از بنیاد دگرگون کردند. اما مهمترین تهدید برای خیلی از رشته‌ها، شعار استقلال مالی دانشگاه‌هاست که ارزش دانش در هر رشته را مستقیماً با تقاضای بازار پیوند می‌زند. در شرایط تجاری‌سازی دانش، رشته‌های نظری و علوم انسانی از جمله زبان و ادبیات فارسی از جهات مختلف در معرض تهدید هستند. یک نظام دانشگاهی برای بقای خود در برابر اینگونه تهدیدها سه راهکار دارد:

۱. به درون مرزهای خود برگردد و هویت و حدود خود را تقویت نماید؛

۲. به رشته قوی‌تری نزدیک شود و به آن پیوندد؛

۳. قلمرو موضوع خود را نوتر و گسترده‌تر کند (Krishnan, 2009: 47).

کتاب حاضر تلاشی است برای بازاندیشی در ساختار و مبانی رشته زبان و ادبیات فارسی که از منظر تاریخی، معرفتی، اجتماعی و حرفه‌ای به دانش ادبیات‌شناسی در دانشگاه نگریسته و کوشیده تا در بازنگری به رشته زبان و ادبیات فارسی از هر سه راهکار فوق بهره بجوید.

ساختار کتاب: مباحث شش فصل کتاب به این قرار است: فصل‌های ۱ و ۲ از چشم‌انداز تاریخی، برآمدن ادبیات فارسی در دانشگاه و روند تاریخی شکل‌گیری نهاد مستقر ادبی در ایران را به بحث می‌گذارد و سیر تطور آن را تا به امروز بررسی می‌کند. بسیاری از تلقی‌های جاافتاده و مُصلَب درباره ادبیات، متن، شرح، تفسیر، شناخت و کارکرد این مفاهیم، در دوران آغازین شکل‌گیری همین نهاد، رقم خورده و تا امروز پا بر جاست. فصل دوم مبانی نظری و روش‌شناختی رشته ادبیات فارسی را به نقد گرفته است و برخی کاستی‌ها را نشان داده است. این کاستی‌ها از منظر نگرش‌های انتقادی نوین مطرح است. بخش عمده مطالب این دو فصل طی دو شماره مجله بخارا (شماره‌های ۹۳ و ۱۲۰) منتشر شده است.

فصل سوم می‌کوشد تا ادبیات و ارزش‌هایش را بر مبنای نگرشی همسو با مقتضیات روزگار ما بازتعریف کند. چيستی ادبیات از منظرهای مختلف، ارزش ادبیات، فعالیت‌های چهارگانه «آفرینش، خوانش، آموزش، پژوهش» که در گفت‌وگوهای ادبی صورت می‌گیرد و نسبت دانشگاه